

هیچ استاندارد ی در آموزش هنر نداریم!

الهام ظریفیان



با وجود همه قوانینی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای آموزشگاه های هنری، انجمن هاوتعیین صلاحیت و سنجش استادان هنر وضع کرده است، هیچ راه مشخصی در عرصه آموزش برای تشخیص سره از ناسره وجودندارد. به ویژه باپررنگ ترشدن فضای مجازی در زندگی مردم، هرکسی با هر سابقه و سطحی به راحتی می تواند ادعای استادبودن در حوزه هنر کند و آموزش بدهد، بدون اینکه هیچ معیاری برای سنجش ادعای او وجود داشته باشد. از آنجایی که هنر تا حد زیادی به قدرت خلاقیت و آفرینش شخصی افراد وابسته است و به سختی می توان یک روش مشخص برای آموزش هنر تدوین کرد، آشفنگی و به هم ریختگی موجود نیز ممکن است خلایق ها را کوک کند و استعدادها را هدر دهد و حتی در برخی موارد زمینه سوءاستفاده را فراهم کند. چه بسیارند علاقه مندان به هنر که خیلی زود اسیر تبلیغات ووعدہ های رنگارنگ افراد در فضای مجازی شده و در آخر به جز سوءاستفاده چیز دیگری ندیده اند. با این مقدمه سراغ دو هنرمند شناخته شده مشهد رفتیم و از آن ها درباره الزامات آموزش هنر و ضرورت و چگونگی ساختارمندکردن این حوزه پرسیدیم.

خود هنرمندان بر آموزش هنر نظارت کنند آموزش هنر در ذهن بسیاری از افراد با اوقات فراغت تعریف شده است و از آنجایی که آدم ها معمولا در اوقات فراغتشان کارهای جدی انجام نمی دهند، هنر آموزش هنر نیز مسئله ای سرگرم کننده و صرفا برای گذران وقت خواهد بود. با چنین نگاهی آیا اصلا اهمیت دارد که آن آموزش چه سطحی دارد، توسط چه کسی ارائه می شود و در آخر چه مهارت و خلاقیت هایی را در هنرجوش کوفای کند؟ محمد مداح حسینی، بازیگر، نماینده نویس و استاد دانشگاه، سه مشکل عمده در آموزش هنر را برمی شمرد؛ نخست اینکه سیستم اعتبارسنجی و تشخیص صلاحیت مشخصی درباره استادان و مدرسان هنر وجود ندارد، دوم اینکه هیچ گونه آموزشی برای ارتقای سطح استادان و به روزشدن آن ها نیست، سوم اینکه بیشتر آموزش ها به چند رشته محدود شده اند. برای مثال در هنرهای نمایشی تمرکز بر آموزش بازیگری است و دیگر بخش ها مانند نویسندگی و کارگردانی فراموش شده اند. به همین دلیل، بارشد سرطانی بازیگران مبتدی و درپی آن، کارگردان بی مایه و نمایش های کم کیفیت روبه رو هستیم. سرمایه های فراوانی در این فرایند هرز می روند و سلیقه تماشاچیان بد می شود. این هنرمند بر ضرورت نظارت یکپارچه و نظام مند بر آموزش هنر تأکید می کند، اما با این شرط

که نظارت توسط خود هنرمندان صورت بگیرد، نه دولت. او دراین باره می گوید: در همه جای دنیا چنین رویکردی وجود دارد. این می تواند مانند نظارتی باشد که اتحادیه ها و نظام های شغلی بر اصناف، پزشکان، وکلا یا مهندسان دارند. شما اگر شکایتی از یک نانوا یا یک پزشک یا مهندس داشته باشید، به اتحادیه یا نظام پزشکی یا نظام مهندسی مراجعه می کنید، یعنی جایی که نمایندگان آن شغل که با فرایندهای حرفه و تدغغه ها و مسائل آن آشنا هستند، شکایتتان را بررسی می کنند؛ اما وقتی نظارت را به دست دولت می دهید، کارمندی که به مسئله آشنا نیست، به جای آنکه بتواند نظارت مؤثری داشته باشد، یک بروکراسی ناکارآمد ایجاد می کند.



مداح حسینی:
آموزشگاه دارها باید بتوانند برسرمنافع مشترکشان به توافق برسند. از سوی دیگر، معمولا هنرجویان از حقوق خودشان آگاه نیستند ومتوجه کم فروشی آموزشگاه هایی بدترین کیفیت آموزش می دهند، نمی شوند



سودجویی، هدف بیشتر کارگاه های هنری در گذشته بیشتر بار آموزش هنر بر دوش انجمن های هنری بود. اما در سال های گذشته این آموزشگاه های آزاد هنری هستند که نقشی پررنگ تر و اصلی تر را در این زمینه بازی می کنند. مداح حسینی این اتفاق را شمشیری دولبه توصیف می کند و می گوید: جنبه مثبت آن این است که تنوع خدمات آموزش هنر افزایش پیدا کرده و رقابت ایجاد شده است. چنان که می دانیم، شرط هر توسعه ای، رقابت است. تا زمانی که رقابت سالم نباشد، امکان توسعه هم وجود ندارد. اما جنبه منفی آن همین آشفنگی و بلبشویی است که اکنون به وجود آمده است و معلوم نیست جای هرکسی کجاست!

به نظر او، سامان دهی این وضع باید برعهده خود آموزشگاه ها گذاشته شود؛ آموزشگاه دارها باید بتوانند بر سر منافع مشترکشان به توافق برسند. از سوی دیگر، معمولا هنرجویان از حقوق خودشان آگاه نیستند و متوجه کم فروشی آموزشگاه هایی که هنرهای مختلف را با بدترین کیفیت آموزش می دهند، نمی شوند. این بازیگر تئاتر درباره برخی کارگاه های رایج هنری می گوید؛ اگر بخواهم صادقانه صحبت کنم، باید بگویم بسیاری از این کارگاه های آموزشی بی ارزش اند و بازدهی ندارند و صرفا با هدف تجاری برگزار می شوند. در اینجا مسئله صرفا سود جویی آموزشگاه دارها نیست، بلکه بخشی از مشکل ناشی از ناآگاهی مخاطب است. برخی مخاطبان به دلیل نداشتن سواد رسانه ای، صرفا دنبال دلیل هستند که سلبییتی ها را از نزدیک ببینند و نمی خواهند چیزی یاد بگیرند. بنابراین، نبود ساختارهای صنفی پاسخگو و ناظر بر فعالیت های آموزشی در اینجاهم تأثیر سوء خودش را نشان می دهد. البته معدود کارگاه های اثرگذار هم بوده اند که اتفاقا این موارد، آن هایی بوده اند که با آدم های معروف و سلبریتی برگزار نشده اند.

رشد کمی آموزش هنر، به رشد کیفی نیز منجر شده است؟ زمانی در این شهر تعداد مدرسان رشته های مختلف هنری مانند موسیقی به تعداد انگشتان یک دست هم نمی رسید، ولی امروز کافی است در هر خیابان و محله ای گشت کوچکی بزنید، دست کم یکی دو تابلو آموزشگاه موسیقی را خواهید دید. این تازه برای جاهایی است که مجوز رسمی فعالیت دارند. اگر

غیررسمی ها و فعالان آموزش هنر در فضای مجازی را هم بخواهیم حساب کنیم، متوجه افزایش فوق العاده خدمات آموزش موسیقی در سال های گذشته خواهیم شد. برای رشته های دیگر هم همین وضع کمابیش وجود دارد. اما چنین رشدی را در کیفیت آموزش هنر نیز می توانیم مشاهده کنیم؟ آیا افزایش کمی آموزش هنر ما را به استانداردهای مشخصی در کیفیت آموزش نیز رسانده است؟ حامد طاهری، آهنگ ساز و مدرس موسیقی، در پاسخ به این سؤال می گوید: به دلیل دسترسی به فضای مجازی و دسترسی آسان به استاندار دوره های آموزشی، تا حدی اوضاع بهبود یافته است، اما در سطح سخت افزاری مانند تجهیزات و استانداردهای آموزشگاه ها رشد چندانی نداشته ایم. نخست به این دلیل است که استانداردهای مدونی وجود ندارد و دوم به این علت است که اگر هم استانداردهایی وجود داشته باشد، عموما رعایت نمی شود. البته باید به این موضوع هم دقت کرد که استاندار سازی فضا های آموزشی هنر به ویژه در موسیقی مستلزم هزینه و سطحی از گردش مالی است تا بخش خصوصی رابه سرمایه گذاری در این حوزه تشویق کند.



حامد طاهری:
بسیاری از مشکلات در هنر و آموزش هنر با ایجاد نظام یا سیستمی، به دست خود هنرمندان حل می شود، ولی چنین نظامی باید قدرت داشته باشد

نبود استاندارد مشخص در عرصه آموزش او درباره ضرورت نظارت بر آموزش هنر و چگونگی آن می گوید: دراین باره دو دیدگاه وجود دارد. عده ای معتقدند هنر چارچوب خاصی ندارد و هر کسی با هر سبک وسیاقی می تواند هنر خودش را ابراز کند و کسانی نیز که علاقه مند هنر او هستند، می توانند پیرو همان سبک و شیوه ارائه هنری باشند و از او یاد بگیرند. در مقابل، دیدگاه دیگری وجود دارد که می گوید هنر و آموزش آن حتما باید کلاسیک و طبقه بندی شده باشد.

این هنرمند می افزاید: برای انتخاب تصمیم درست به نظرم بهتر است به نمونه های موفق در دنیا نگاهی بیندازیم. متأسفانه ما برخلاف بیشتر کشورها، هیچ نظام خاصی نداریم که بتواند سطح کیفی و توانایی یک هنرمند را بسنجد. در بسیاری از کشورهای پیشرو در زمینه هنر، یک هنرمند در خانه اش هم می تواند تدریس کند. اما حتما باید صرفل های مشخصی را که در نظام آموزشی آن هنر نوشته شده است، رعایت کند. بعد از تمام شدن یک دوره آموزشی، مراکزی غیردولتی اما مورد حمایت دولت، گواهی نامه پایان آن دوره را به هنرجو اعطا می کنند. نمونه هایش کنسرواتورهای



موسیقی هستند که دانشگاه نیستند و مستقیم با بخش دولتی کار نمی کنند. اما در بخش خصوصی براساس استاندارد های آزیبش تعیین شده خدمات آموزش موسیقی ارائه می دهند. طاهری ادامه می دهد: ما در کشورمان در هیچ جایی، نه در مراکز آکادمیک، نه در مراکز غیررسمی ونه در مراکز خصوصی، استاندارد های مشخص و نوشته شده ای نداریم. مثلا اگر یک فرد معمولی بخواهد سنتور یاد بگیرد، نمی داند از کجا باید شروع کند و چه مدتی را باید طی کند تا بتواند به یک درجه مشخصی از توانایی و تخصص در سنتور برسد.

یک بام و دو هوای دولت در انجمن های هنری طاهری با بیان اینکه ما در عرضه محصول هنری نسبت به دنیا عقب هستیم، می گوید: به همین دلیل بازار برای بی هنرها و کسانی که همیشه از استانداردها فرار می کنند و بنیه هنری ندارند، خیلی داغ می شود؛ زیرا هرکسی هر ادعایی مطرح کند، مترو معیاری برای سنجش آن وجود ندارد. تا این استانداردها را ننویسیم و فضای آزادانه تری برای ارائه اثر هنری نداشته باشیم، این مشکل همچنان وجود دارد. تعیین متولی ونظارت توسط خود هنرمندان می تواند یک راهکار برای برون رفت از این بلبشو باشد که البته ابزار هم می خواهد. متأسفانه انجمن ها تشکیل می شوند، اما به دلیل اینکه قدرتی پیدا نمی کنند یا امکانات مالی مناسبی در اختیارشان قرار نمی گیرد، ضعیف می شوند.

این هنرمند نیز مانند مداح حسینی به نبود یک سیستم منسجم در آموزش هنر اشاره می کند و می گوید: بسیاری از مشکلات در هنر و آموزش هنر با ایجاد نظام یا سیستمی، به دست خود هنرمندان حل می شود، ولی چنین نظامی باید قدرت داشته باشد. ما انجمنی درست می کنیم و دولت می خواهد ضمنا انحصار خودش را نیز از انجمن بردارد. این یک بام و دو هواس! شما نمی توانید نظام پزشکی داشته باشید، ولی در کنارش قدرت به او ندهید. یعنی اگر پزشکی تخلف کرد، بگویید نظام پزشکی نمی تواند تعطیلش کند. نظام پزشکی وقتی می تواند کارش را درست انجام دهد که بازوی اجرایی هم داشته باشد. اگر این اتفاق در هنر بیفتد که صرفا تصدش به دست خود هنرمندان باشد و بازوی اجرایی درستی هم در اختیارشان قرار بگیرد، قطعاً اوضاع از این بهتر خواهد شد.



شاهینارNEWS.IR
۱۳۳۳ شنبه
۲۴ مهر ۱۴۴۴
شماره ۲۷۷۷



اخبار
هنری
مشهد

حضور هنرمندان موسیقی استان در «آوای کویر»



خاطره مرحوم ذوالفقار بیاتنه، ۲۴ تا ۲۶ شهریورماه به میزبانی بیرجند برگزار می شود. «بسط و گسترش هنر ایرانی اسلامی باتوجه به کارکرد و تأثیرگذاری هنر موسیقی نواحی»، «سامان دهی و شناسایی و آموزش و حمایت از استعداد های جوان»، «ایجاد انگیزه بین جوانان و نوجوانان علاقه مند به موسیقی نواحی»، «ایجاد فضای مناسب رقابتی و تولید آثار ارزشی» و «قدردانی از پیشکسوتان» اهداف برگزاری این رویداد موسیقایی است. این درحالی است که رویداد در سه بخش اصلی و دو گروه کمتر و بیشتر از هجده سال برگزار می شود. «تک نوازی» در سازهای دوتار، سرنا و دهل و «تک خوانی» همراه یک ساز یا بدون ساز نیز به عنوان بخش های اصلی جشنواره اعلام شده اند.

اجرای تئاتر هنرمندان مشهد در تهران تمدید شد



اجرای آن از ۱۴ اردیبهشت آغاز شده و قرار است تا ۲۶ مرداد ماه روی صحنه بماند. متن این نمایش نوشته مشترک فؤاد زیدانلویی، قیس یساقی و محمد جواد مهدیان است که با بازی دهنذگی و بازیگری محمد جواد مهدیان و قیس یساقی اجرا می شود. این نمایش برگزیده «بهترین اثر اقتباسی» از جشنواره پاپتلند قزاقستان و برگزیده جوایز بهترین اثر، بهترین عروسک گردانی، بهترین کارگردانی و نیز کاندیدای جوایز بهترین متن، بهترین موسیقی، بهترین صدایبشگی از نوزدهمین جشنواره بین المللی نمایش عروسکی تهران مبارک است. نمایش «مَثَلِث» هر روز ساعت ۱۸ و به مدت ۴۰ دقیقه در تئاتر هامون روی صحنه می رود.

چارسوق
هنر

«شهر گربه ها» ۲، سید جواد هاشمی در راه اکران



فصل دوم «نجلا»، پایک ملودرام عاشقانه در قاب افق



پخش سریال «تا ثریا» در تلویزیون

